

کافه موسیقی

فادو در ایران هم شنیدنی شد

مهم‌ترین دستاورد این دوره جشنواره موسیقی فجر در بخش بین‌الملل معرفی و اجرای یک سبک از موسیقی دنیا برای اولین بار در ایران است.

قرار است در سسی و یکمین دوره جشنواره موسیقی فجر علاقه‌مندان شاهد اجرای «فادو» باشند. فادو سبکی از موسیقی مردمی پرتغال است که قدمتی بیش از ۲۰۰ سال در این کشور دارد.

فادو آوازی محزون است و بهتر بگوییم فادو موسیقی اصیل پرتغالی‌هاست که با دو گیتاریست و یک خواننده در قهوه‌خانه‌ها و رستوران‌ها اجرا می‌شود و به گفته مردم پرتغال روح موسیقی اکنون پرتغال به شمار می‌آید.

تاکنون در هیچ دوره جشنواره موسیقی فجر اجرای فادو نداشته‌ایم و اکنون در جشنواره موسیقی فجر فرصت تجربه جدیدی در اختیار مردم قرار داده شده است. دوشنبه ۲۶ بهمن در تالار وحدت اجرای کنسرت کمانه یا همان فادوی پرتغالی را شاهد خواهیم بود.

جشنواره

گذری بر جایزه جشنواره موسیقی فجر هم‌نامی جایزه باربد با آزمون باربد

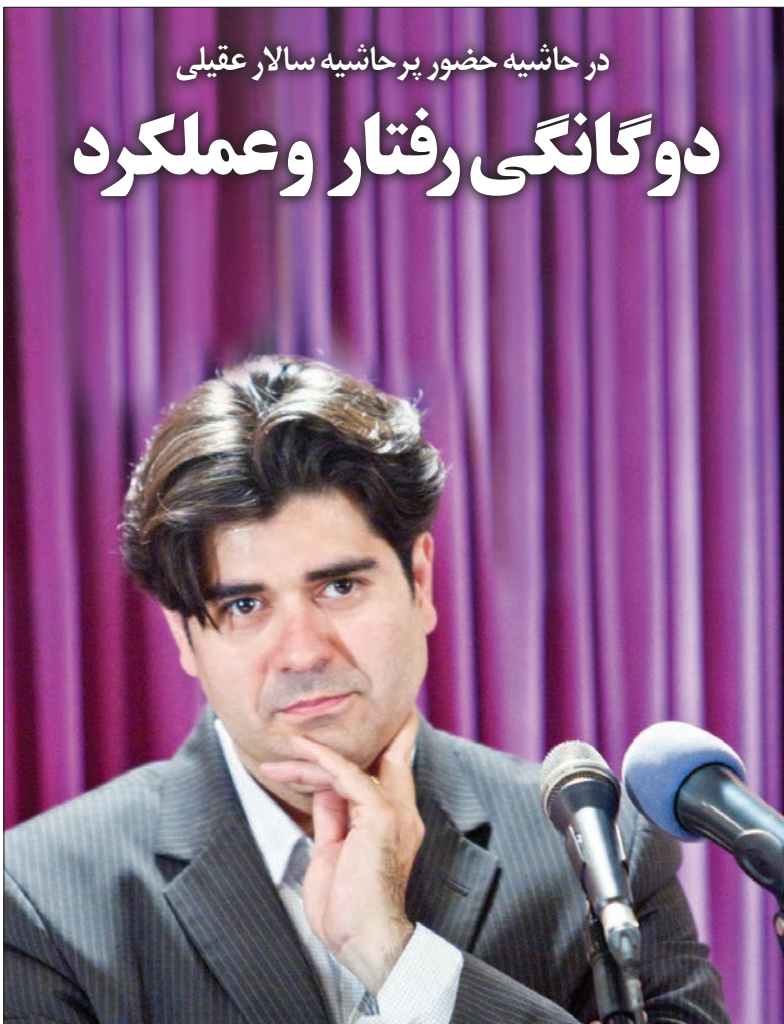


جشنواره موسیقی فجر (FAJR MUSIC FESTIVAL) در راستای تغییرات گسترده سی و یکمین جشنواره موسیقی فجر، بخش جایزه به آلبوم به ساختار جشنواره اضافه شده است و با نام «جایزه باربد» آثار برتر حوزه موسیقی را انتخاب می‌کند. «باربد» نامورترین موسیقیدان، شاعر، برت‌نواز و خواننده دوران ساسانی است و هنوز هم میراث او در نام‌های گوشه‌های دستگاه‌های موسیقی ایرانی امروزی بر جای مانده است.

«جایزه باربد» جشنواره موسیقی فجر قرار است در هر سال تولیدات موسیقایی را در طول بازه زمانی یک ساله از مهر تا مهر مورد بررسی قرار دهد. بخش جایزه به‌طور کلی از سه قسمت آلبوم‌ها، کنسرت‌ها و بخش جانبی تشکیل شده است و این در حالی است که امسال به‌منوان اولین سالی که این بخش به جشنواره اضافه شده است، داوری تنها در بخش آلبوم‌ها انجام می‌شود و علاوه بر آن آثاری که در دو سال گذشته تولید شده‌اند، مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

البته از آنجا که این روند در سال‌های گذشته سیاست خانه موسیقی در جشن سالانه خود بوده است که به آلبومی در سال جایزه اهدا کند و امسال نیز دبیر جشنواره موسیقی فجر همان مدیرعامل خانه موسیقی است، گویی جایزه خانه موسیقی در جشنواره فجر داده خواهد شد. اما اسم و عنوان این جایزه به علت اینکه در سال‌های پیش از انقلاب با همین نام جایزه مخصوصی به نام باربد برای آزمون موسیقی سنتی ایران وجود داشت که در اولین دوره آن در سال ۵۵ به شهرام ناظری در رشته آواز اهدا شده بود، امسال می‌طلبید و لازم بود برای تفکیک از آن آزمون قدیمی، نام دیگری بر جایزه موسیقی فجر انتخاب شود که گویا مدیران این دوره جشنواره در آن دقت کافی نکرده‌اند.

دوگانگی رفتار و عملکرد در حاشیه حضور پر حاشیه سالار عقیلی



هنرمندان است. سویی اینکه نوریخش باید به‌عنوان یک خواننده رفتاری بدون موضع‌گیری نسبت به هم‌صنفی خود می‌داشت، لازم بود در جایگاه مدیرعامل خانه موسیقی نیز رویکردی غیر از آنچه از او سرزود داشته باشد،

چراکه این‌گونه رفتارها شایسته مدیری که ادعای عملکرد صنفی دارد، نیست.

پیدا کنید

برتقال فروش را؟

اما بلافاصله دبیر و سخنگوی خانه موسیقی - که پس از استعفای حسین عزیزاده دوباره این سمت به داریوش پیرنیاکان اعطا شده است- خلاف اظهارنظر نوریخش از حقوق صنفی سالار عقیلی دفاع و نوریخش را به تعجیل در قضاوت منتهم کرد.

او طبق اعلام در سایت خانه موسیقی چنین موضع گرفت و گفت: «ما در جایگاه صنفی و هنری خانه موسیقی، موظفیم از حقوق همه هنرمندان و از

دیگری جزء رئیس خانه‌ای است که او سخنگوی آن است و تاکنون با شیوه فکری و تصمیمات مدیرعامل خانه موسیقی آشنا نبوده است. این مساله درجه‌دیگری را روی این پرسش می‌گشاید که آیا دوگانگی رفتار و عملکرد در مدیران خانه موسیقی نیز وجود دارد یا این هم تاکتیک دیگری برای مقدر نشان دادن خانه موسیقی در افکار عمومی؛ آن‌هم در روزهایی که زیر فشار انتقاد منتقدان قرار دارد، است؟

تصمیمات

در سطح میز متغیر است؟ عملکرد و تصمیمات دوگانه مدیر جشنواره موسیقی، پرسش مهمی را به ذهن متبادر می‌کند که آیا تصمیمات در سطح میز متغیر است؟ یعنی مهم است که بر پشت کدام میز سمتی دارید؟ یعنی هر چه سمت شما ایجاب می‌کند بر نظر شما رجحان است؟

آیا بر خورد یکسان صورت می‌گیرد؟

در اولین ساعت بامدادی جمعه ۱۱ بهمن حمیدرضا نوریخش، مدیر جشنواره موسیقی فجر

تجدیدنظر درباره اجرای سالار عقیلی را اعلام کرد و گفت او در جشنواره موسیقی فجر اجرا خواهد داشت. او گفت که بعد از حواشی به وجود آمده درباره این خواننده، کمیته نظارت بر جشنواره اعلام کرد شرایط برای حضور ایشان در جشنواره فراهم نیست، اما با توجه به اینکه او خواننده شناخته شده‌ای است و در این مدت خدمات بسیاری نیز انجام داده است، من و دیگر مسئولان جشنواره تمامی تلاش خود را کرده‌ایم تا ایشان به جدول جشنواره بازگردند.

به سرانجام رسیدن وضعیت سالار عقیلی در چند روز مشخص کرد که حمایت‌کنندگان او نظر غالب بر محروم‌سازان دارند و ضمناً تصمیم‌گیری درباره ایجاد محرومیت و رفع آن طی چند روز بیشتر زمانگیر نیست، اما سوالي که مطرح می‌شود این است که آیا موارد دیگر در موسیقی ما همچون ممنوعیت کار محمدرضا شجریان و رفع محدودیت‌های سفر خارجی مجید درخشانی نیز همین‌گونه و یا همین رویکرد قابل حل است؟

یادداشت

روند رو به رشد جشنواره موسیقی جوان

حفظ ریشه‌ها، ارتقای کیفیت و حفاظت از موسیقی با تعریف نقشه راه

می‌دهد. ساعت‌ها روی آن کار کارشناسی با هدف‌گذاری ویژه در چشم‌انداز آتی موسیقی ایران شده است، به‌طوری‌که این فراخوان تقریباً همانند نقشه راه برای هر موزیسین جوانی تهیه و تنظیم شده است تا با لحاظ کردن محورهای آن ضمن فراگیری اصولی و صحیح موسیقی، از آنچه به‌عنوان میراث هنری موسیقی به ما رسیده است، پاسداری و حمایت‌شود تا در آینده موسیقی ایران در تلاطم امواج موسیقی‌های دیگر از بین نرود. اینجاست که باید به مدیران جشنواره موسیقی جوان که همگی از استادان بنام و شناخته‌شده موسیقی ایران هستند، دست‌میزاد و خسته نباشید گفت، چراکه هم فراخوان بسیار زود منتشر شده است و موزیسین‌های جوان فرصت دارند تا خود را برای جشنواره آماده کنند و هم این فراخوان سند چشم‌انداز موسیقی ماست که در آن رعایت سنت‌ها و ریشه‌های موسیقی ایرانی صورت گرفته تا دیگر شاهد نباشیم که نوازندگان شرکت‌کننده در جشنواره ندانند با ساز تنبور باید مقام بنوازند نه موسیقی شهری.

تسلیت

موسیقی ایرانیان، درگذشت یکی از همکاران اهل قلم خود را که پایه‌گذار سایت پرخطابی چون موسیقی ایرانیان بود به اهالی موسیقی و همه علاقه‌مندان تسلیت می‌گوید.

سیدامین موسوی، اولین سردبیر سایت موسیقی ایرانیان در ۲۸سالگی چهارشنبه هفتم بهمن) بر اثر ایست قلبی درگذشت. او در سال‌های سردبیری موسیقی ایرانیان پرونده‌های ویژه فقه و موسیقی با همکاری

فراخوان ارکستر سمفونیک تهران برای جذب نوازنده

گروه ادب و هنر مطابق اعلام روابط‌عمومی و امور بین‌الملل بنیاد رودکی، ارکستر سمفونیک تهران دوشنبه ۱۳۹۴/۱۱/۱۹ از ساعت ۱۴ در سالن رودکی برای انتخاب و تکمیل اعضای ارکستر سمفونیک تهران در تمام سازها، باحضور و نظارت اساتید موسیقی کلاسیک جهان چون امیل تاباکوف و دالبیور کاروای رهبر و ویولونیست مشهور جهانی، از نوازندگان علاقه‌مند دعوت به عمل می‌آورد.

هر نوازنده موظف است دو مومان از آثار استاندارد موسیقی کلاسیک آماده کند. علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۰۹۱۲۵۰۸۸۶۴۹ تماس بگیرند.

از گوشه تا گوشه

درنگی بر آلبوم «پیمان عشق» اثر سجاد پورقناد

همنشینی سبک‌ها در اجرای مجدد

از میان سه تصنیف‌سرای نامدار اواخر سده سیزدهم و اوایل سده چهاردهم شمسی (علی‌اکبر شیدا)، عارف قزوینی و محمدعلی امیرجاهد)، یعنی چهره‌های شاخص دوره اول تصنیف -که شعر و موسیقی را یک‌جا خود می‌ساختند به تاسی از تقسیم‌بندی «ساسان فاطمی»- اجرای مجدد تصنیف‌های سومی در نیم سده اخیر اقبال کمتری یافت. هم از این‌روست که «پیمان عشق» آلبومی گردآمده از برخی تصنیف‌های امیرجاهد با تنظیم «سجاد پورقناد» شایسته توجه می‌شود و نیز از آن بیشتر هنگامی که از لابه‌لای خبرها درمی‌یابیم این کار بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر برای اجرای مجدد آثار امیرجاهد است. پس می‌توان امید داشت که گروهی که نخستین آلبوم رسمی‌اش را منتشر کرده یک‌سره خود را وقف اجرای مجدد آثار کلاسیک میانی کند.

نفس اجرای مجدد در موسیقی کلاسیک ما و فراگیر شدنش امری خجسته است، زیرا با هر بار بازخوانی یا بازنوازی به دست یک نوازنده یا گروهی تازه از نوازندگان، اگر هدف تنها کار ناممکن بازسازی نعل به نعل یک اثر بیشتر اجرا شده نباشد -که در میان بعضی گروه‌های گذشته‌گرا هست- ما را با جنبه‌ها و ابعادی از آثار و به فعلیت درآوردن آنها رودررو می‌سازد. پای تفسیر هنرمندانه را به موسیقی باز می‌کند و از همان آثار گذشته گاه اجراهایی شنیدنی فراهم می‌آورد. این امر اما در مورد تصنیف‌های کلاسیک ما (به‌ویژه دوره اولی‌ها) بعدی خاص پیدا می‌کند، زیرا قریب به اتفاق آنها هنگامی که نغمه‌نگاری شده‌اند (اگر اصلاً شده باشند) تنها به‌عنوان یک خط ملودی (همان خط آواز) ثبت شده‌اند و ساز یا ترکیب‌سازی خاصی هم برای همراهی‌شان توسط آهنگساز تعیین نشده است (و این خود نشان از قدیمی‌تر ابعدی جز ملودی اصلی و ازجمله رنگ‌آمیزی به‌عنوان یک عنصر فعال و خودآگاهانه مورد توجه نبوده است)، پس تقریباً هر اجرای مجددی از آنها شامل حداقل میزانی از تغییرات موسیقایی در همراهی ... و... است.

یعنی اغلب اجراهای این‌گونه آثار علاوه بر تفسیر که دایر بر تصمیم‌گیری درباره مولفه‌های محوری تصنیف چون ریتم، جمله‌بندی، تندای اجرا و حالت کلی اجرا و... است، ناگزیر مستعمل بر میزانی از تنظیم هم هست. درست از همین زاویه است که می‌توان (و به گمانی باید) به آثار مجدداً اجراشده نگرینست و پرسید که بخش‌های سازی انتخاب‌شده به دست مجریان، با اثر چه کرده است یا به عبارتی به آن چه افزوده است؟

از این زاویه اگر بنگریم پیمان عشق وضعیتی درخور بررسی و جالب‌توجه دارد. چندین قطعات درضمن یک اجرای بزرگ (یا همان سوپرفرم اجرا)، به صورت توالی قطعه ضریبی، آواز ... و...، یعنی موضوعی که شکل گسترش‌یافته‌اش در میانه قرن حاضر مستقر شد، نشان می‌دهد با یک نوع هم‌آمیزی سبکی مجامیع، زیرا این نوع توالی در اجراهای اولیه آن دوره موجود نیست. مقدمه «ترنم» را اگر به دقت گوش کنیم این پیام را واضح‌تر خواهیم شنید: آنجا که ملودی به خوبی با سبک ملودی تصنیف‌ها و حال و هوای دوران آنها سازگار است اما ترکیب گروه و ارائه‌هایی که آهنگساز این قطعه (پورقناد) برای ملودی اصلی‌اش آفریده (حال با هدف معرفی سازها چنان‌که خود وی می‌گوید یا جز آن) چنین نیست.

هنگامی که شش تصنیف مجدداً اجرا شده «پیمان عشق»، «ناله عشاق»، «امان ز هجر»، «منه به دل»، «فرگس مست» و «دل من» را بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم که در بطن اجرای مجدد یا بهتر بگوییم این تنظیم خاص از آنها سه سبک یا ویژگی‌های سه دوره مختلف موسیقی کلاسیک ما به هم آمیخته شده‌اند. عناصری از دهه‌های ۲۰ و ۵۰، عناصری از دهه‌های ۷۰ و ۸۰ با بدنه تصانیف که ساخته دهه‌های اولیه قرن هستند، این هم‌نشینی سبکی را شکل می‌دهند. حرکت خطوطی که برای سازهای مختلف نوشته شده به‌گونه‌ای است که تنها آن را با در نظر گرفتن تغییرات گروه‌نوازی پس از «حسین دهلوی» و «فرامرز پایور» می‌توان فهمید. چنین حرکت‌ها و روابطی میان خطوط و انتخاب‌هایی از نوبت اجرای هر ساز آشکارا پاسداری و پساپایورانه و تحت‌تأثیر آنها هستند. رنگ کلی‌ای که از گروه یا تک‌سازها می‌شنویم و البته رنگ‌آمیزی (به‌خصوص انتخاب ترکیب‌های دو یا سه ساز برای سازآرایی لحظه‌هایی از ملودی و بده‌بستان میان این بخش‌های مختلف یا تأکید روی صدای عود و بهره‌گیری از آن برای جواب آواز که سابقه‌اش به عهد ساخته شدن تصنیف‌ها نمی‌رسد) با وجود آن‌که ترکیب گروه جز یک تغییر بارز - یعنی حذف شدن تنبک و نبودن هیچ‌گونه ساز ضریبی جایگزین، به قصد جلب توجه شنونده به بازی یافت که می‌توان در آن چون و چرا کرد- یکی از همان ترکیب‌های شناخته‌شده گروه‌نوازی کلاسیک ماست، کاملاً امروزی‌ن است. مهم‌ترین دلیل آن است که برآیند صدایی که می‌شنویم حاصل شیوه‌های نوازندگی کنونی است که نوازندگان آموزش‌راش را دیده‌اند.

نتیجه این درهم‌آمیزی سبکی یا به بیانی ترجمان امروزی‌تر تصنیف‌هایی از اوایل قرن، سرجمع موفق است و تصنیف‌ها را تخریب نمی‌کند. به سبک حرکت‌شان لطیف نمی‌زند، اگرچه گاهی افراط در استفاده از پاساژهای سریع میان دو قسمت برای پرکردن فضای خالی با خلأهای موجود به سبزی برمی‌خیزد و به شکل نوعی اشباع همه زمان‌های خالی و پرهیز و سواس‌گونه از سکوت درمی‌آید و حس حرکتی پرجنب و جوش‌تر از کلیت خود یک تصنیف باطنیانه عاشقانه بر جمله‌بندی آن تحمیل می‌شود، اما این پدیده در حدی نیست که به آستانه زیاده‌روی برسد و کل آثار را خراب کند یا حس کلی چیره بر هریک از تصنیف‌ها را از شکل و ریخت بیندازد.

